

بررسی مقوله آزادی بیان و علم‌اندوزی با تحریم کتب ضاله با تأکید بر نمونه‌های نوظهور آن

نویسنده: محمدامین فتوحی^۱

استاد راهنما: سیدابراهیم فاطمی نسب

چکیده

آزادی بیان از مهم‌ترین مقولات در حقوق بشر و دموکراسی است که به افراد اجازه می‌دهد عقاید و اندیشه‌های خود را بدون ترس از تبعیض یا تنبیه بیان کنند. با این حال، این آزادی همواره با محدودیت‌هایی روبرو بوده است؛ به ویژه زمانی که به مسائل حساسی مانند تحریم کتب ضاله می‌پردازد. تحریم کتب ضاله، که به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که محتوای آنها مغایر با اصول و ارزش‌های جامعه تلقی می‌شود، از موضوعات چالش‌برانگیز در بحث آزادی بیان است.

این مقاله به بررسی تاریخیچه و تحولات حکم فقهی کتب ضاله در گذر زمان می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه شرایط زمانی و مکانی می‌توانند بر تعریف و حکم این کتب تأثیر بگذارند. همچنین به تحلیل محتوای اسناد و بررسی محدودیت‌های آزادی بیان می‌پردازد و به سؤالات مطرح‌شده در این زمینه پاسخ‌های مستدل و مستند ارائه می‌دهد.

در نهایت، مقاله به اهمیت تعادل بین حفظ آزادی بیان و جلوگیری از انتشار افکار و مطالب مضر می‌پردازد و بر این نکته تأکید می‌کند که محدودیت‌های وضع‌شده باید مبتنی بر اصول و معیارهای شفاف و قابل فهم باشد تا از سوءاستفاده و تفسیرهای خودسرانه جلوگیری شود. این تعادل دقیق نیازمند درک عمیقی از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و همچنین اصول حقوقی است که باید در هر جامعه‌ای به دقت مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: آزادی بیان، علم‌اندوزی، تحریم، کتب ضاله، نوظهور، تبعیض، فقه اسلامی.

۱. طلبة پایه چهارم مدرسه علمیه مدینه العلم کاظمیه یزد.

مقدمه

آزادی بیان از اصول بنیادین حقوق بشر است که به افراد اجازه می‌دهد عقاید و اندیشه‌های خود را بدون ترس از تبعیض یا سرکوب ابراز کنند. این حق در اسناد بین‌المللی مختلفی به رسمیت شناخته شده و به عنوان یکی از شاخص‌های دموکراسی و آزادی‌های فردی محسوب می‌شود. با این حال در برخی موارد ممکن است تعارضی بین آزادی بیان و محتوایی که ممکن است گمراه‌کننده یا ضاله تلقی شود، به وجود آید.

در فقه اسلامی، کتب ضاله به نوشته‌هایی اطلاق می‌شود که ممکن است خوانندگان را از مسیر حقیقت دور کند و به گمراهی بکشاند. این مفهوم، که ریشه در تعالیم دینی دارد، بر این باور است که برخی محتواها می‌توانند به اندازه‌ای مضر باشند که نیاز به محدودیت دارند تا از آسیب به جامعه جلوگیری کنند. از سوی دیگر، مفهوم آزادی بیان بر این اصل استوار است که هر فردی باید بتواند دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود را آزادانه بیان کند؛ حتی اگر این دیدگاه‌ها با عقاید عمومی یا دولتی مخالف باشند. این دو دیدگاه ممکن است در تضاد با یکدیگر قرار گیرند؛ زیرا آزادی بیان مطلق می‌تواند به انتشار محتوایی منجر شود که برخی آن را ضاله تلقی کنند.

در نتیجه بحث و گفت‌وگو در مورد تعادل بین حفظ آزادی بیان و جلوگیری از گسترش محتوای ضاله اهمیت ویژه‌ای دارد. از این رو در جوامع مختلف، راه‌حل‌های متفاوتی برای این تعارض ارائه شده است. برخی کشورها قوانینی را برای محدود کردن محتوایی که ممکن است به عنوان ضاله شناخته شود، وضع کرده‌اند؛ در حالی که دیگران بر اهمیت آزادی بیان به عنوان یک اصل غیر قابل تردید تأکید دارند. در ایران، بحث در مورد کتب ضاله و آزادی بیان در چارچوب فقهی و قانونی مورد بررسی قرار گرفته است.

برخی از فقها و محققان اسلامی بر این باورند که آزادی بیان نباید به گونه‌ای باشد که به

انتشار محتوای ضاله منجر شود و بر ضرورت محدودیت‌هایی در این زمینه تأکید دارند. برخی دیگر از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که آزادی بیان باید حتی شامل محتوایی شود که ممکن است توسط برخی به عنوان ضاله تلقی شود؛ زیرا محدود کردن آزادی بیان می‌تواند به سرکوب اندیشه و نوآوری منجر شود. این تعارض نشان‌دهنده یک چالش عمیق فرهنگی و اجتماعی است که نیاز به گفت‌وگو و تفاهم میان گروه‌های مختلف دارد تا راه‌حل‌هایی یافت شود که هم آزادی‌های فردی را حفظ کند و هم از ارزش‌های جامعه محافظت نماید.

در نهایت، تعادل بین آزادی بیان و جلوگیری از انتشار کتب ضاله به فرهنگ، ارزش‌ها و قوانین هر جامعه بستگی دارد و راه‌حل‌های یکسانی نمی‌تواند برای همه جوامع اعمال شود. این موضوع نیازمند توجه دقیق به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و همچنین اصول حقوقی و اخلاقی است که در هر جامعه‌ای مورد احترام قرار می‌گیرد.

مفهوم شناسی

۱. آزادی بیان

آزادی بیان اصلی است که در جوامع مردم سالار به عنوان حق طبیعی برای انسان‌ها شمرده می‌شود و بر اساس آن شهروندان می‌توانند آزادانه مسائل سیاسی را طرح و تحلیل نمایند.^۱ آزادی بیان، حقی است که به افراد امکان می‌دهد عقاید و اندیشه‌های خود را بدون محدودیت دولتی یا فشارهای اجتماعی بیان کنند. این حق، که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده، برای توسعه دموکراسی و جست و جوی حقیقت ضروری است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در «بیان عقیده» آزاد و از ترس فارغ باشند، به عنوان بالاترین آرمان بشری اعلام شده است.^۲

با این حال، آزادی بیان می‌تواند محدودیت‌هایی داشته باشد؛ به ویژه زمانی که با حقوق دیگران تداخل پیدا کند یا به نظم عمومی و اخلاقیات جامعه آسیب برساند. در ایران، مفهوم آزادی بیان و محدودیت‌های آن در چارچوب اصول اسلامی و قوانین ملی تعریف می‌شود. این موضوع می‌تواند به بحث‌های گسترده‌ای در مورد تعادل بین آزادی فردی و مسئولیت‌های اجتماعی منجر شود.

۲. آزادی در اسلام

در اسلام، مفهوم آزادی یک بعد درونی دارد که به رهایی از بندگی نفس و تحقق پتانسیل‌های انسانی اشاره دارد. این آزادی درونی، به عنوان پیش شرطی برای رسیدن به آزادی بیرونی و سیاسی تلقی می‌شود. اسلام آزادی تفکر را ترویج می‌دهد و بر این باور است که بدون آزادی بیرونی،

۱. ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماع آزادی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. مفهوم آزادی (بخش اول): پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری.

دستیابی به آزادی درونی دشوار است. در جوامع اسلامی، آزادی اغلب به معنای حقوقی و در مقابل واژه «عبد» به کار می‌رود.

در اندیشه سیاسی اسلامی، عدالت به عنوان نقطه مقابل استبداد، و بردگی به عنوان نقطه مقابل آزادی قرار دارد. از نظر نگرش نوین، آزادی سیاسی به عنوان یک ضرورت برای زندگی بشر در شرایط کنونی مطرح است و تنها در ساختار دموکراتیک قابل تحقق است.

اسلام همچنین آزادی بیان را تشویق می‌کند و معتقد است جامعه باید به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند. این نگرش به آزادی، با تشویق به شور و مشورت در آیات و روایات همخوانی دارد و بر این اساس است که انسان‌ها باید بتوانند در تصمیم‌گیری‌های جمعی مشارکت کنند.

در اسلام به آزادی عقیده نیز تأکید شده و از دو جهت قابل بررسی است: نخست عقیده به عنوان ایمان در مقابل کفر و دوم وجود عقاید و بینش‌های مختلف در درون دین. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که آزادی در اسلام یک مفهوم چندوجهی است که هم درونی و هم بیرونی است و به تکامل فردی و اجتماعی انسان‌ها کمک می‌کند. در نهایت، آزادی در اسلام به عنوان یک ارزش معنوی و اخلاقی مورد تأکید قرار می‌گیرد که باید در جامعه به گونه‌ای تحقق یابد که هم به رشد فردی کمک کند و هم به سلامت و پایداری به قیود اخلاقی جامعه.

۳. علم اندوزی

علم اندوزی به بررسی و تحلیل معنا و اهمیت دانش و فرایند یادگیری در فرهنگ و تمدن‌ها می‌پردازد. در فرهنگ اسلامی، علم اندوزی جایگاه ویژه‌ای دارد و از ارزش‌های برتر انسانی تلقی می‌شود. اسلام بر این باور است که دانش، نوری است که راه تکامل انسانی را روشن، و او را به سوی مقصد اعلای انسانیت هدایت می‌کند. در سیره نبوی، تأکید فراوانی بر علم‌آموزی شده و علما به عنوان وارثان انبیا و امینان خداوند معرفی شده‌اند: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرثُوا دِينَاراً وَلَا دِرْهَمًا وَلَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ»^۱.

همچنین اهمیت دانش در قرآن و احادیث بسیار مورد توجه قرار گرفته و از مهم‌ترین وظایف هر مسلمان بر شمرده شده است: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴.

۲. زمر: ۹.

این تأکید بر علم اندوزی نشان دهنده نگرش عمیق اسلام به دانش به عنوان ابزاری برای رشد و تعالی است.

۴. کتب ضاله

کتب ضاله، که به معنای کتاب های گمراه کننده است، در فقه اسلامی جایگاه ویژه ای دارد. این کتاب ها می توانند شامل نوشته هایی باشند که به قصد گمراهی نوشته شده اند یا موجب گمراهی خوانندگان می شوند.

بر اساس دیدگاه های فقهی، نگهداری، خرید و فروش، نسخه برداری، مطالعه و آموزش این کتاب ها حرام، و از بین بردن آنها واجب است؛ مگر در مواردی که برای اثبات حق و رد باطل استفاده می شود.

تاریخچه مسئله کتب ضاله به شیخ مفید و کتاب المُنْعَةِ بازمی گردد^۱ که برای نخستین بار دو عنوان «کتب کفر» و «کتب ضلال» را مطرح کرد.^۲ پس از او، فقیهان دیگر نیز به بررسی این موضوع پرداخته اند و احکام مربوط به آن را توسعه داده اند.

در مقاله ای در پرتال جامع علوم انسانی، تأثیر زمان و مکان بر حکم کتب ضاله و چگونگی تحول آرای فقها بر اساس شرایط زمانی و مکانی مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع نشان دهنده اهمیت تطبیق احکام فقهی با شرایط متغیر جامعه و نیازهای آن است.

۵. نوظهور

مفهوم شناسی نوظهور، به مطالعه و تحلیل پدیده های جدید فکری و فرهنگی اطلاق می شود که در پیوند با تغییرات اجتماعی و فرهنگی عصر حاضر شکل گرفته اند. این مفهوم شناسی به بررسی و نقد جنبش های معنوی نوین و عرفان های نوظهور می پردازد که گاهی از معیارهای سنتی دینی فاصله گرفته و با فرهنگ رایج سرمایه داری هم راستا شده اند.

این جنبش ها، که در بستر مدرنیته و فرهنگ غربی رشد کرده اند، به دلیل تنوع در ایدئولوژی ها و ارائه تعریف های متفاوت از معنویت، موضوع بحث و تحلیل بسیاری از دین پژوهان، جامعه شناسان و صاحب نظران شده اند. عرفان های نوظهور، که گاهی به عرفان های کاذب یا دروغین نیز معروف

۱. شیخ مفید، المُنْعَةُ، ص ۵۸۹-۵۸۸.

۲. صانعی، «حرية الاعلام والفكر والثقافي: مطالعة فقهية في الموقف من كتب الضلال»، ص ۵۹.

هستند، به دلیل بهره‌برداری ناقص و ابزاری از دین و ایجاد انحرافات فکری در جامعه، مورد نقد قرار گرفته‌اند. این جنبش‌ها، با ارائه تفکرات و مکاتب مختلف، در صدد دستیابی به اهداف خود هستند و گاهی با استفاده از شگردها و ترفندهای مختلف، سعی در جلب توجه و عضوگیری دارند. در این میان، اسلام به عنوان دینی که از هرگونه تحریف و کاستی به دور است، همواره توانسته در بعد فردی و اجتماعی، انسان و جامعه انسانی را از انحراف و التقاط نجات دهد و سلامت روحی و اجتماعی را تضمین کند. با این حال، تعریف قابل قبول و همه‌پسندی برای عرفان‌های نوظهور هنوز ارائه نشده است و محققان این عرصه نظریات متفاوتی را ارائه داده‌اند. در نهایت، مفهوم‌شناسی نوظهور به دنبال شناخت و تحلیل عمیق‌تر این پدیده‌هاست تا بتواند به درک بهتری از جایگاه و تأثیر آنها در جامعه دست یابد.

آزادی بیان از منظر شرع و عقل

آزادی بیان، موضوعی است که در حوزه‌های مختلف فکری، فلسفی، حقوقی و دینی مورد بحث قرار گرفته است. از دیدگاه شرعی، آزادی بیان به معنای توانایی ابراز عقیده و نظر بدون ترس از تعقیب یا مجازات است؛ به شرطی که این ابراز عقیده به حقوق دیگران آسیب نزند و با موازین اخلاقی و شرعی همخوانی داشته باشد.

در اسلام به کسب دانش و علم اهمیت زیادی داده شده که این امر نشان‌دهنده ارزش آزادی بیان و تبادل افکار است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۱. با این حال، آزادی بیان نباید بهانه‌ای برای ترویج فساد و گمراهی در جامعه شود.

از منظر عقلی نیز آزادی بیان به معنای احترام به تفکر و نظرات متفاوت است؛ به شرطی که بر پایه استدلال و منطق بنا شده باشد و به سلامت و پیشرفت جامعه کمک کند.

در حقوق بین‌المللی، آزادی بیان از حقوق اساسی بشر شناخته شده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آن اشاره شده است.^۲ این حق شامل آزادی در تغییر مذهب یا عقیده و همچنین آزادی در اظهار عقیده و ایمان است. با این وجود، آزادی بیان مطلق نیست و در چارچوب قوانین و مقرراتی که حقوق دیگران و نظم عمومی را حفظ می‌کند، محدود می‌شود.

در نهایت، آزادی بیان باید به گونه‌ای باشد که ضمن احترام به تنوع فکری و عقیدتی، به تعمیق فهم متقابل و ارتقای گفت‌وگوی سازنده در جامعه کمک کند. این مفهوم در فرهنگ و تمدن اسلامی ریشه‌دار است و به عنوان یک اصل مهم در تعاملات اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود.

۱. آل عمران: ۱۵۹.

۲. بند ۱۹ قانون جهانی حقوق بشر.

محدودیت های آزادی بیان

آزادی بیان یک حق بنیادین بشری است که به معنای حق اظهار عقاید، افکار و ابراز عواطف و احساسات به روش های مختلف است. این حق مبتنی بر کرامت ذاتی انسان است و همه افراد به گونه ای برابر از آن برخوردارند. این حق همچون سایر حقوق و آزادی های فردی، در توازن با مسئولیت های اجتماعی قرار دارد.^۱

محدودیت های آزادی بیان به منظور حفظ نظم اجتماعی، حفظ کرامت بشر و اصول اخلاقی تعیین می شوند. این محدودیت ها شامل مواردی نظیر امنیت ملی، امنیت عمومی، بهداشت عمومی، حقوق و حیثیت دیگران می شوند. به عبارت دیگر، آزادی بیان نباید باعث نقض این محدودیت ها شود.^۲

به طور کلی محدودیت های آزادی بیان در اسناد بین المللی حقوق بشر، موازین اسلامی و قوانین ملی تعیین شده اند. این محدودیت ها به نفع ارزش های دیگر مانند حقوق و آزادی های دیگران، مقتضیات صحیح اخلاقی، نظم اجتماعی و مصلحت عمومی اعمال می شوند.

۱. محدودیت های آزادی بیان (موجهات و مستندات).

۲. محدودیت های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین المللی.

علم اندوزی از منظر شرع و عقل

در اسلام، علم اندوزی از مهم ترین وظایف هر مسلمان شناخته شده است. این امر نه تنها از منظر شرعی، بلکه از دیدگاه عقلانی نیز اهمیت ویژه ای دارد. اسلام بر این باور است که علم و دانش می تواند انسان را به کمال و غایت وجودی اش نزدیک تر کند. آیات و احادیث بسیاری بر فضیلت و اهمیت علم و دانش تأکید دارند؛ برای مثال در قرآن آمده است که خداوند، فرشتگان و دانشمندان به وحدانیت خدا شهادت می دهند. این خود نشان دهنده ارزش علم در اسلام است.

همچنین: عقل به عنوان یکی از ابزارهای شناخت و دستیابی به حقیقت، در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. آیت الله جوادی آملی، یکی از علمای برجسته، عقل را جزئی از دین دانسته و معتقد است که عقل و دین نه تنها در تضاد نیستند، بلکه هماهنگی و تعامل میان آنها وجود دارد. این دیدگاه بر این باور است که عقل می تواند به عنوان چراغی برای شریعت عمل کند و در کنار نقل، به عنوان منبعی برای معرفت دینی عمل نماید. در نتیجه علم اندوزی در اسلام نه تنها یک فریضه دینی است، بلکه به عنوان یک فعالیت عقلانی نیز مورد تقدیر قرار می گیرد که از طریق آن می توان به درک عمیق تری از دین و جهان هستی دست یافت.

این تلفیق از شرع و عقل، مسیری را برای رشد و تعالی فردی و جامعه فراهم می آورد و به انسان ها امکان می دهد تا با استفاده از دانش و عقلانیت، به بهترین شکل ممکن به زندگی خود معنا ببخشند.

کتاب ضاله از منظر شرع و عقل

در فقه اسلامی، کتاب ضاله به نوشته‌هایی اطلاق می‌شود که محتوای آنها موجب گمراهی خوانندگان می‌شود و از منظر شرعی، نگهداری، خرید و فروش، نسخه برداری، نشر، مطالعه و آموزش آنها حرام است. این مفهوم توسط شیخ مفید در فقه شیعه مطرح شده و در آثار بعدی فقیهان دیگر نیز بررسی و توسعه یافته است.

کتاب ضاله می‌تواند شامل کتاب‌ها، مقالات، نامه‌ها و حتی روزنامه‌ها و مجلات باشد که محتوای گمراه‌کننده‌ای دارند. این نوشته‌ها ممکن است در زمینه‌های مختلفی مانند عقاید، احکام شرعی و اصول مذهبی گمراه‌کننده باشند.

فقیهان بر این باورند که ضلال یا گمراهی می‌تواند شامل اصول پنج‌گانه مذهب و همچنین احکام شرعی باشد. به عبارت دیگر هر کتابی که در زمینه اصول مذهب یا احکام شرعی موجب گمراهی شود، کتاب ضاله محسوب می‌شود.

آیت‌الله منتظری نیز نوشته است که مراد از ضلال، گمراهی غالب خوانندگان است، نه فقط یک فرد خاص.^۱ از منظر عقلی نیز، حفظ و نشر کتاب ضاله به دلیل ایجاد مفسده و گمراهی برای جامعه، مردود شمرده می‌شود و اتلاف آنها واجب است. این موضوع در فقه اسلامی به دلیل اهمیت حفظ ایمان و اعتقادات مردم و جلوگیری از انحرافات فکری و عقیدتی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در نهایت، مسئله کتاب ضاله نه تنها یک موضوع فقهی است، بلکه با مسائل اخلاقی و اجتماعی نیز عجین شده و بر ضرورت دقت و هوشیاری در انتخاب مطالبی که می‌خوانیم و به دیگران منتقل می‌کنیم، تأکید دارد. این موضوع به ویژه در عصر حاضر که دسترسی به اطلاعات بسیار آسان شده، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

۱. منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمة، ج ۳، ص ۹۹.

حرمت کتب ضالّه

کتب ضلال یا ضالّه که گمراه کننده دین و فکر سالم بشری است (مانند کتب بهائیت) و هرگونه کتاب یا مقاله ای که اضلال آفرین باشد (مانند کتاب آیات شیطانی) در شرع مقدس اسلام حفظ و نگهداری و مطالعه و خرید و فروش آن حرام و ممنوع شده است. حال اگر کسی بخواهد آنها را مطالعه کند تا تحقیق کند و با آزادی، دینی را انتخاب نماید، از يك طرف با حرمت کتب ضالّه مواجه است و از طرفی آیه شریفه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...» می باشد که در انتخاب دین آزاد هستی، و این دو با هم تفاوت دارند.

پاسخی که به این شبهه داده می شود این است که حرمت کتب ضالّه به صورت مطلق ثابت نشده و عده ای از فقها در این باره تفصیل داده اند که حرمت کتب ضالّه در سه صورت است:

۱. حفظ و مطالعه آن به قصد گمراه نمودن مردم باشد.

۲. می داند یا گمان دارد که منشأ اضلال می شود؛ گرچه قاصد هم نباشد.

۳. گمان ندارد و احتمال می دهد که مردم گمراه می شوند.

با توجه به این سه قید، به حرمت کتب ضالّه حکم می شود؛ اما اگر هیچ يك از این سه مورد مترتب نباشد دلیلی بر حرمت آن نیست.^۱ برخی از فقها عدم حرمت آن را تابع اغراض صحیح کرده اند که اگر مطالعه کتب ضالّه برای نقض و ابطال آن باشد مانعی ندارد؛ اما اگر به نحوی باشد که با مطالعه آن منحرف می شود یا به شبهاتی برمی خورد که نمی تواند به آن پاسخگو باشد، مطالعه آن را حرام می دانند.^۲

۱. انوار الفقاهه (کتاب التجاره)، ص ۲۴۱.

۲. تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۴۲۹.

ناسازگاری ترغیب شرع به آزادی بیان و علم اندوزی با تحریم کتب ضاله

در اسلام، آزادی بیان و تشویق به دانش اندوزی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما همزمان با این تشویق‌ها، محدودیت‌هایی نیز برای جلوگیری از گسترش افکار و عقایدی که ممکن است به جامعه آسیب برسانند، وضع شده است. این محدودیت‌ها شامل تحریم کتبی می‌شود که ممکن است محتوای گمراه‌کننده یا مخربی داشته باشند. اسلام با تأکید بر اهمیت عقل و استدلال، افراد را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند و در عین حال از آنها می‌خواهد از منابع معتبر و صحیح برای افزایش دانش خود استفاده کنند.

در این دین، آزادی بیان به معنای توانایی بیان دیدگاه‌ها و نظرات بدون ترس از تعقیب یا مجازات است؛ به شرطی که این بیان موجب فساد و گمراهی جامعه نشود. اسلام همچنین بر اهمیت کسب علم و دانش تأکید دارد و آن را وسیله‌ای برای رشد و تعالی انسان می‌داند. این تأکید بر دانش اندوزی نشان‌دهنده ارزشی است که اسلام برای علم قائل است و تلاش دارد تا مسیری را برای پیشرفت علمی و فکری افراد فراهم کند.

با این حال، اسلام در مواردی که ممکن است محتوایی به ایمان و اخلاقیات اسلامی لطمه بزند، محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند؛ برای مثال شیخ مرتضی انصاری به این موضوع در بحث «حفظ کتب ضاله» پرداخته است.^۱ این محدودیت‌ها شامل تحریم کتبی می‌شود که ممکن است محتوای ضاله و گمراه‌کننده داشته باشد. به این ترتیب، از گسترش افکار و عقایدی که ممکن است به جامعه آسیب برسانند، جلوگیری می‌کند. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش اسلام برای حفظ تعادل میان آزادی فردی و حفاظت از جامعه در برابر محتوای مضر است.

در نهایت، اسلام با تأکید بر اهمیت عقل و استدلال، افراد را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ﴾^۱. همچنین از آنها می‌خواهد از منابع معتبر و صحیح برای افزایش دانش خود استفاده کنند: ﴿إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾^۲. این تعادل بین آزادی بیان و محدودیت‌های لازم برای حفاظت از جامعه، نشان‌دهنده تلاش اسلام برای ایجاد یک جامعه پویا و متفکر است که در آن افراد می‌توانند آزادانه افکار خود را بیان کنند؛ ضمن اینکه از انتشار افکار مضر جلوگیری می‌شود. این رویکرد به افراد اجازه می‌دهد دانش خود را افزایش دهند و به تعالی فردی و اجتماعی دست یابند؛ ضمن اینکه از ارزش‌های اسلامی و اخلاقی جامعه محافظت می‌کند.

۱. انعام: ۵۰.

۲. حجرات: ۶.

نمونه‌های نوظهور کتب ضاله و حکم آن

۱. نشریات ملحدین و منافقین؛
 ۲. نشریات منافی عفت عمومی و اخلاق اسلامی؛
 ۳. نشریاتی که به نحوی اسرار اشخاص را افشا می‌کند؛
 ۴. نشریاتی که در صدد افترا و هتک آبروی افراد یا مسئولین مملکتی است؛
 ۵. نشریاتی که در موضوع تحریک اختلافات فرقه‌ای، بدون استدلال و برهان افکار و عقاید را به استهزا می‌گیرد؛
 ۶. کتب متضمن خرافات و سحر و افسون؛
 ۷. نشریاتی که تنها موجب تحریک فتنه و آشوب باشد.^۱
- در مورد نمونه‌های نوظهور تحریم کتب ضاله، با پیشرفت تکنولوژی و گسترش اینترنت، دسترسی به اطلاعات به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. این امر، چالش‌های جدیدی را در زمینه نظارت و کنترل محتوای منتشرشده ایجاد کرده است.
- با وجود این، برخی از دولت‌ها و سازمان‌ها می‌کوشند با استفاده از فیلترینگ و سایر روش‌های نظارتی، جلوی دسترسی به محتوایی که آنها ضاله تلقی می‌کنند را بگیرند. این اقدامات می‌تواند شامل ممنوعیت‌هایی برای ناشران، نویسندگان و حتی کاربران عادی باشد که به اشتراک‌گذاری یا مطالعه این محتواها می‌پردازند.

۱. بخشنامه به دادسراهای عمومی و دادگاه‌های کیفری.

جمع‌بندی

در اسلام، آزادی بیان و تشویق به دانش‌اندوزی از ارزش‌های مهم شمرده می‌شوند و به عنوان بخشی از تعالیم دینی، ترویج می‌یابند. اسلام بر این باور است که دانش و بیان آزاد، زمینه‌ساز رشد فکری و معنوی جامعه هستند. با این حال، اسلام همچنین بر حفظ اصول اخلاقی و جلوگیری از گمراهی و فساد تأکید دارد. در این راستا، تحریم کتبی که ممکن است به انحرافات فکری و اخلاقی منجر شود، به منظور حفاظت از جامعه در برابر اطلاعات غلط و مضر اعمال می‌شود. این تحریم‌ها نه به منزله سانسور کورکورانه، بلکه به عنوان بخشی از یک سیستم متعادل‌کننده عمل می‌کند که هدف آن حفظ تعادل میان آزادی فردی و مصالح جمعی است. این دیدگاه بر این پایه استوار است که آزادی‌های فردی نباید به گونه‌ای باشد که به جامعه آسیب برساند یا ارزش‌های اساسی آن را تضعیف کند.

در اسلام، آزادی بیان و تشویق به دانش‌اندوزی، ارزش‌های بنیادینی هستند که با دقت و توجه به موازین اخلاقی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از دیدگاه اسلامی، آزادی بیان نباید به ترویج افکار ضاله و مخرب منجر شود؛ چراکه ممکن است به جامعه آسیب برساند. در عین حال، اسلام دانش‌اندوزی را یک وظیفه مهم برای هر فرد مسلمان می‌داند و تأکید دارد دانش باید به منظور ارتقای فهم و آگاهی و نهایتاً نزدیکی به خداوند مورد استفاده قرار گیرد. این دو مفهوم، آزادی بیان و تشویق به دانش‌اندوزی، در چارچوب ارزش‌های اسلامی و با هدف حفظ کرامت انسانی و تعالی جامعه، هماهنگی دارند.

تحریم کتبی که محتوای ضاله دارند، نه به معنای سرکوب آزادی فکری، بلکه به منظور حفاظت از اصول اخلاقی و جلوگیری از انتشار افکاری است که ممکن است به انسجام اجتماعی و معنویت جامعه آسیب بزند. این تعادل بین آزادی و مسئولیت، نشان‌دهنده درک عمیق اسلام از نیازهای فردی و اجتماعی است و بیانگر این واقعیت است که آزادی بیان و دانش‌اندوزی باید

در خدمت رشد و تکامل انسانی باشند. در این راستا، اسلام با تأکید بر اهمیت علم و دانش، راه را برای پیشرفت و توسعه فرهنگی و علمی جامعه هموار می‌کند؛ ضمن اینکه از انحرافات فکری و اخلاقی جلوگیری به عمل می‌آورد. این دیدگاه متعادل، بستری را فراهم می‌کند که در آن افراد می‌توانند آزادانه افکار خود را بیان کنند؛ درحالی که به حقوق و باورهای دیگران احترام می‌گذارند و به دنبال رشد و تعالی معنوی خود و جامعه‌شان هستند.

این توازن همچنین به افراد امکان می‌دهد تا با استفاده از دانش و معرفت، به درک بهتری از جهان و جایگاه خود در آن برسند و در نهایت، به یک زندگی معنادار و پربار دست یابند. بنابراین اسلام با تشویق به دانش‌اندوزی و بیان آزاد، بر اهمیت داشتن چارچوب‌هایی برای حفظ امنیت فکری و اخلاقی جامعه نیز تأکید دارد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. مکارم شیرازی، ناصر (۵۱۴ق)، **انوار الفقاهه** (کتاب التجارة)، قم، انتشارات مطبوعاتی مذهب.
۲. موسوی خمینی رحمته، روح الله، **تحریر الوسيله**، تهران، انتشارات مکتبه الاعتماد.
۳. منتظری، حسینعلی (۵۱۴ق)، **دراسات في المكاسب المحرمة**.
۴. خویی، سید ابوالقاسم (۷۱۴ق)، **مصباح الفقاهة**.
۵. صانعی، یوسف، **حرية الاعلام الفكر والثقافي: مطالعة فقهية في الموقف من كتب الضلال**.
۶. جوادی آملی، عبدالله، **عقل و نقل از منظر آیت الله جوادی آملی**.
۷. مطهری، مرتضی، **مفهوم آزادی** (بخش اول)، پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری.
۸. شیخ انصاری، مرتضی (۵۱۴ق)، **المکاسب**.